

والله جان سلام

از دور در حالت راضی بدم واحد دارم سر حال و ضرب ایسی . والله جان این صبر من نایب است

که برایت می نویسم دل همه را با پاره کردم ، چنین واقعا دل من خراشه لخته ای ناراحت شدی صبر

کردم تا گوی آرام بکنم و الله برایت نامه بنویسم آفریدن دانی که دنیا تبدیل به یک دیوانه خانه

صنایع بیوفی شده هر دیوانه در گردان و متعجب در هم می بولند و با این ماجرا معلوم نیست

در ایران و ایران جناب مانده خرم و غم و غم . والله نامه سر به رو وقتت رسید محضه صابون

دلپذیرت بسیار قدس است هم برابر همه آفریدم و انگلهای بسیاری را در صدمه دیدن

دستم خسته بر سر دوست دارم والله جان از یک نفعی روزه می آیم سفرهای بسیار ناراحت

کننده و صاف بسیار عزیز می آید برده کردم خدا نگهدارش باد . امیدوارم از صمیم قلب امیدوارم

هر گاه است سلامت و خوش باشه . آرزوی کنه قبل از دریافت این نامه فردت با او صحبت

کرده ایسی از ضامن فراهم با بردند با هم زندگی جدیدی را شروع کنند او بسیار حاکم و آزرده

و صفا بر آن تهنیت مشکل خراشه بدو می خواهی می کنه تا می توانی از او دلجو می کن بسیار رنج برده

و ناراضی ز یاد کشیده همه احسان می کنه کنش سرگردان در طوفان هسته حال کی این طوفان

آرام می شود فرامی دانه والله جان از وقتی از سفر برگشته زنده کنیم صد خندان بدتر شده همه اس

گوش بیفتن هسته ش . اگر ضرب از او بدید به برایش می کنه کنه در صفا اس را با پلتن

کنند چه فراهم کرد فعلا که دفعه ها تبدیل به سلامت شده به امید روزهای بهتر مسکلت بسیار

سپس بود در هیچ گاه نغمه بخوانم زنت

وقت است مهن  
۳۱ / ۳ / ۹۲۱